

آموزش کامل قواعد عربی

+ مثال و توضیحات کامل



آموزشگاه زبان ملل

قواعد صرف در عربی (کلمه‌سازی)

صرف به بررسی تغییرات کلمات از نظر ساختاری می‌پردازد و شامل قواعدی است که تعیین می‌کند چگونه افعال و اسم‌ها بر اساس زمان، جنسیت، تعداد و نقش دستوری تغییر می‌کنند.

نقش کلمات در زبان عربی

در زبان عربی، کلمات نقش‌های مختلفی در جمله ایفا می‌کنند و هر کدام وظیفه خاصی دارند. این کلمات به چند دسته اصلی تقسیم می‌شوند که هر یک ویژگی‌های خاص خود را دارند و در ساختار جمله تأثیرگذار هستند. در اینجا به بررسی انواع کلمات در عربی و نقش آن‌ها در جمله می‌پردازیم.

اسم

اسم به کلمه‌ای گفته می‌شود که به شخص، مکان، شیء، یا مفهوم اشاره می‌کند. نقش اسم در جمله می‌تواند به عنوان فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، یا مضاف‌الیه باشد. اسم‌ها در عربی می‌توانند به یکی از دسته‌های زیر تعلق دارند:

- مذکر یا مؤنث
- مفرد یا جمع
- اسم جامد یا مشتق
- معرّف یا نکره
- [اسم اشاره عربی](#)

کتاب زیباست.	الْكِتَابُ جَمِيعٌ.
"الكتاب" اسم است و نقش مبتدا را در جمله دارد.	

فعل

فعل کلمه‌ای است که نشان‌دهنده عمل یا حالت است و زمان انجام آن را مشخص می‌کند. فعل در جمله معمولاً به عنوان رکن اصلی جمله عمل می‌کند و فاعل و مفعول را به هم مرتبط می‌سازد. افعال در عربی به سه زمان اصلی تقسیم می‌شوند:

1. ماضی (گذشته)
2. مضارع (حال یا آینده)
3. امر (دستوری)

دانش‌آموز به مدرسه رفت.	ذَهَبَ الطَّالِبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ.
در این جمله، "ذهب" فعل ماضی است و عمل رفتن را نشان می‌دهد.	

حرف

حروف کلماتی هستند که به تنهایی معنای کامل ندارند، اما برای ارتباط بین کلمات یا جملات استفاده می‌شوند. حروف در عربی به چند دسته تقسیم می‌شوند :

1. **حروف جر**: برای اضافه کردن اسم به فعل یا اسم دیگر
2. **حروف عطف**: برای ارتباط بین دو کلمه یا جمله
3. **حروف نفی**: برای منفی کردن جمله

به بیروت سفر کردم.	سافَرْتُ إِلَى بَيْرُوتَ.
در این جمله، "إلى" حرف جر است و جهت سفر را مشخص می‌کند.	

ضمیر

ضمیر کلمه‌ای است که به جای اسم می‌آید و از تکرار آن جلوگیری می‌کند. ضمیر می‌تواند نقش فاعل، مفعول، یا مضاف‌الیه را در جمله داشته باشند. ضمیر در عربی به سه دسته تقسیم می‌شوند

- ضمیر منفصل (مستقل)
- ضمیر متصل (وابسته)
- ضمیر مخفی (پنهان)

او کتاب می‌خواند.	هُوَ يَقْرَأُ الْكِتَابَ.
در این جمله، "هو" ضمیر منفصل است و نقش فاعل را دارد.	

صفت (صفت)

صفت کلمه‌ای است که ویژگی‌های اسم را توصیف می‌کند و باید با اسم خود از نظر جنسیت، عدد، و تعریف مطابقت داشته باشد. صفت در جمله معمولاً پس از اسم می‌آید و به آن تابع می‌شود.:

من یک ماشین جدید خریدم.	اشْتَرَيْتُ سَيَّارَةً جَدِيدَةً.
در این جمله، "جدیده" صفت است و ویژگی ماشین را توصیف می‌کند.	

ظرف

ظرف کلمه‌ای است که زمان یا مکان را نشان می‌دهد و معمولاً به عنوان مفعول فیه یا حال در جمله استفاده می‌شود. ظرف‌ها می‌توانند اسم‌های مکان یا زمان باشند.

دانش‌آموز در کلاس نشست.	جَلَسَ الطَّالِبُ فِي الْفَصْلِ.
در این جمله، "فی الفصل" ظرف مکان است و محل نشستن را مشخص می‌کند.	

عدد

اعداد در عربی برای شمارش استفاده می‌شوند و با اسم خود از نظر جنسیت و حالت مطابقت دارند. اعداد از یک تا ده قواعد خاصی دارند و پس از ده معمولاً به صورت ساده استفاده می‌شوند.

من پنج کتاب خریدم.	اشْتَرَيْتُ خَمْسَةَ كُتُبٍ.
در این جمله، "خمسة" عدد است و تعداد کتاب‌ها را نشان می‌دهد.	

انواع افعال در عربی + مثال

در زبان عربی، افعال بر اساس زمان وقوع به سه دسته‌ی اصلی تقسیم می‌شوند: ماضی (گذشته)، مضارع (حال و آینده) و امر (دستوری).

این دسته‌بندی نشان می‌دهد که یک عمل در چه زمانی انجام شده یا خواهد شد. در ادامه، هر یک از این زمان

ها همراه با مثال توضیح داده شده‌اند

فعل ماضی (گذشته)

فعل ماضی برای بیان کارهایی که در گذشته اتفاق افتاده‌اند استفاده می‌شود. این افعال معمولاً بر وزن "فَعَلَ" یا "فَعِلَ" یا "فَعُلَ" صرف می‌شوند و با توجه به شخص (اول شخص، دوم شخص، سوم شخص)، مفرد، مثنی یا جمع و جنسیت تغییر می‌کنند.

معنی فارسی	صرف فعل ماضی	ضمیر	شخص
من نوشتم	كَتَبْتُ	أنا	اول شخص مفرد
ما نوشتیم	كَتَبْنَا	نحن	اول شخص جمع

دوم شخص مفرد مذکر	أَنْتَ	كَتَبْتَ	تو (مرد) نوشتی
دوم شخص مفرد مؤنث	أَنْتِ	كَتَبْتِ	تو (زن) نوشتی
دوم شخص جمع مذکر	أَنْتُمْ	كَتَبْتُمْ	شما (مردان) نوشتید
دوم شخص جمع مؤنث	أَنْتُنَّ	كَتَبْتُنَّ	شما (زنان) نوشتید
سوم شخص مفرد مذکر	هُوَ	كَتَبَ	او (مرد) نوشت
سوم شخص مفرد مؤنث	هِيَ	كَتَبَتْ	او (زن) نوشت
سوم شخص جمع مذکر	هُمْ	كَتَبُوا	آنها (مردان) نوشتند
سوم شخص جمع مؤنث	هُنَّ	كَتَبْنَ	آنها (زنان) نوشتند

فعل مضارع (حال و آینده)

فعل مضارع برای بیان اعمالی که در حال انجام شدن هستند یا در آینده رخ خواهند داد استفاده می شود. این افعال با افزودن یکی از حروف ن، ا، ی، ت به ابتدای ریشه فعل ساخته می شوند.

معنی فارسی	صرف فعل مضارع	ضمیر	شخص
من می نویسم	أَكْتُبُ	أَنَا	اول شخص مفرد
ما می نویسیم	نَكْتُبُ	نَحْنُ	اول شخص جمع
تو (مرد) می نویسی	تَكْتُبُ	أَنْتَ	دوم شخص مفرد مذکر
تو (زن) می نویسی	تَكْتُبِينَ	أَنْتِ	دوم شخص مفرد مؤنث
شما (مردان) می نویسید	تَكْتُبُونَ	أَنْتُمْ	دوم شخص جمع مذکر
شما (زنان) می نویسید	تَكْتُبْنَ	أَنْتُنَّ	دوم شخص جمع مؤنث
او (مرد) می نویسد	يَكْتُبُ	هُوَ	سوم شخص مفرد مذکر
او (زن) می نویسد	تَكْتُبُ	هِيَ	سوم شخص مفرد مؤنث
آنها (مردان) می نویسند	يَكْتُبُونَ	هُمْ	سوم شخص جمع مذکر
آنها (زنان) می نویسند	يَكْتُبْنَ	هُنَّ	سوم شخص جمع مؤنث

❖ نکته:

فعل مضارع می تواند با اضافه شدن "لَنْ" به آینده ی منفی تبدیل شود.

فعل امر (دستوری)

فعل امر برای فرمان دادن، درخواست کردن یا پیشنهاد کردن استفاده می‌شود. این فعل معمولاً از فعل مضارع بدون حرف مضارعه ساخته می‌شود. در برخی موارد، حرف "ا" در ابتدا اضافه می‌شود.

معنی فارسی	صرف فعل امر	ضمیر	شخص
بنویس (تو مرد)	اُكْتُبْ	أَنْتَ	دوم شخص مفرد مذکر
بنویس (تو زن)	اُكْتُبِي	أَنْتِ	دوم شخص مفرد مؤنث
بنویسید (شما مردان)	اُكْتُبُوا	أَنْتُمْ	دوم شخص جمع مذکر
بنویسید (شما زنان)	اُكْتُبْنَ	أَنْتُنَّ	دوم شخص جمع مؤنث

❖ نکات مهم درباره فعل امر:

1. فعل امر فقط برای دوم شخص (مخاطب) صرف می‌شود.
2. در ساخت فعل امر، حرف مضارعه حذف و در برخی موارد یک همزه (ا) اضافه می‌شود.
3. فعل امر با لا الناهیه (نهی) می‌تواند به معنای منع کردن باشد.
4. برای مطالعه بیشتر در خصوص فعل نفی و نهی در عربی می‌توانید مقاله مربوطه را مطالعه کنید.

3. وزن‌های افعال و مشتقات آن‌ها

در عربی، بیشتر افعال از ریشه‌های سه حرفی و چهار حرفی ساخته می‌شوند و بر اساس قالب‌های مشخصی صرف می‌شوند. این قالب‌ها اوزان افعال نامیده می‌شوند.

● **فعل ثلاثی مجرد:** ریشه فقط ۳ حرف اصلی دارد و هیچ حرف اضافی (زیادشده) در آن نیست.

معنی	مثال	وزن
یاری کرد - یاری می‌کند	نَصَرَ - يَنْصُرُ	فَعَلَ - يَفْعُلُ
زد - می‌زند	ضَرَبَ - يَضْرِبُ	فَعَلَ - يَفْعُلُ
گشود - می‌گشاید	فَتَحَ - يَفْتَحُ	فَعَلَ - يَفْعُلُ
پنداشت - می‌پندارد	حَسِبَ - يَحْسِبُ	فَعَلَ - يَفْعُلُ
بزرگوار شد - بزرگوار می‌شود	كَرَّمَ - يَكْرُمُ	فَعَلَ - يَفْعُلُ
شاد شد - شاد می‌شود	فَرِحَ - يَفْرَحُ	فَعَلَ - يَفْعُلُ

● **فعل ثلاثی مزید فیه:** همان ریشه‌ی سه حرفی است که با افزودن یک یا چند حرف (مثل: همزه، تاء، است، نون ...) ساخته می‌شود.

معنی و ترجمه	مثال	وزن
گرامی داشت - گرامی می‌دارد - گرامی داشتن	أَكْرَمَ - يُكْرِمُ - إِكْرَام	أَفْعَلَ - يُفْعِلُ - إِفْعَال
آموزش داد - آموزش می‌دهد - آموزش دادن	عَلَّمَ - يُعَلِّمُ - تَعْلِيم	فَعَّلَ - يُفَعِّلُ - تَفْعِيل
جنگید - می‌جنگد - جنگیدن	قَاتَلَ - يُقَاتِلُ - قِتَال	فَاعَلَ - يُفَاعِلُ - مُفَاعَلَة
یاد گرفت - یاد می‌گیرد - یادگیری	تَعَلَّمَ - يَتَعَلَّمُ - تَعَلَّمَ	تَفَعَّلَ - يَتَفَعَّلُ - تَفَعُّل
با هم جنگیدند - با هم می‌جنگند - جنگ با هم	تَقَاتَلُوا - يَتَقَاتَلُونَ - تَقَاتُل	تَفَاعَلَ - يَتَفَاعَلُونَ - تَفَاعُل
شکست - می‌شکند - شکستن	انْكَسَرَ - يَنْكَسِرُ - انْكِسَار	انْفَعَلَ - يَنْفَعِلُ - انْفِعَال
جمع شد - جمع می‌شود - اجتماع	اجْتَمَعَ - يَجْتَمِعُ - اجْتِمَاع	اِفْتَعَلَ - يَفْتَعِلُ - اِفْتِعَال
سرخ شد - سرخ می‌شود - سرخ شدن	احْمَرَّ - يَحْمَرُّ - احْمِرَار	اِفْعَلَّ - يَفْعَلُّ - اِفْعِلَال
سرسبز شد - سرسبز می‌شود	اعْشَوْشَبَ - يَعْشَوْشِبُ	اِفْعَوَعَلَ - يَفْعَوَعِلُ (نادر)

● **فعل رباعی مجرد:** ریشه از ۴ حرف اصلی تشکیل شده و هیچ حرف اضافی ندارد.

معنی	مثال	وزن
غلطاند - می‌غلطاند - غلتاندن	دَحْرَجَ - يُدَحْرِجُ -- دَحْرَجَة	فَعَّلَلَ - يُفَعِّلِلُ - فَعْلَلَة

● **فعل رباعی مزید فیه:** همان ریشه‌ی چهار حرفی است که با افزودن یک یا چند حرف ساخته می‌شود.

معنی	مثال	وزن
سرخ شد	أَكْرَمَزَ - يُكْرِمِزُ (نادر)	أَفْعَلَّلَ - يُفَعِّلِلُ - اِفْعِلَال
غلطید - می‌غلطد - غلتیدن	تَدَحْرَجَ - يَتَدَحْرِجُ - تَدَحْرُج	تَفَعَّلَّلَ - يَتَفَعَّلِّلُ - تَفَعُّل

افْعَلَّلَ - يَفْعَلِّلُ - افْعَلَّلَال	اِحْرَنْجَمَ - يَحْرَنْجِمُ	گرد آمد - گرد می آید
---	-----------------------------	----------------------

قواعد نحو در عربی (جمله سازی)

نحو به نحوه‌ی قرارگیری کلمات در جمله و ارتباط آن‌ها با یکدیگر می‌پردازد.

جمله اسمیه

جمله‌ی اسمیه جمله‌ای است که با یک اسم آغاز می‌شود و معمولاً برای بیان توصیف، خبر یا حالت به کار می‌رود. این نوع جمله از دو بخش اصلی تشکیل شده است:

♦ **مبتدا**: کلمه‌ای که درباره‌ی آن صحبت می‌شود و معمولاً یک اسم است.

♦ **خبر**: توضیح یا خبری که درباره‌ی مبتدا داده می‌شود.

مثال:

الطَّالِبُ مُجْتَهِدٌ.	دانش‌آموز کوشا است.
السَّمَاءُ صَافِيَةٌ.	آسمان صاف است.

♦ گاهی اوقات، خبر می‌تواند یک فعل یا یک جمله‌ی کامل باشد:

المُعَلِّمُ يُدَرِّسُ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ.	معلم زبان عربی تدریس می‌کند
---	-----------------------------

جمله فعلیه

جمله‌ی فعلیه با یک فعل آغاز می‌شود و معمولاً برای بیان یک عمل یا رویداد استفاده می‌شود. این جمله از سه بخش اصلی تشکیل شده است:

1. **فعل**: کلمه‌ای که نشان‌دهنده‌ی یک عمل یا حالت است.
2. **فاعل**: کسی که انجام‌دهنده‌ی عمل است.
3. **مفعول به (در صورت نیاز)**: کسی یا چیزی که عمل فعل بر روی آن انجام می‌شود.

كَتَبَ الطَّالِبُ الدَّرْسَ.	دانش‌آموز درس را نوشت.
------------------------------	------------------------

يَشْرَبُ الْوَلَدُ الْمَاءَ.	پسر آب می‌نوشد.
------------------------------	-----------------

✳ در بسیاری از موارد، فاعل می‌تواند ضمیر مستتر باشد، یعنی در جمله نیاید اما از معنای فعل مشخص باشد:

نَجَحَ فِي الامْتِحَانِ.	او در امتحان موفق شد.
--------------------------	-----------------------

مفاعیل در عربی (مفعول به، مفعول فیه، مفعول له و ...)

مفاعیل در زبان عربی نقش‌های مختلفی دارند که هر یک به نوعی مکمل فعل در جمله هستند و معنا را کامل می‌کنند. این مفاعیل شامل مفعول به، مفعول فیه، مفعول له، مفعول مطلق، و مفعول معه می‌شوند. هر یک از این مفاعیل کاربرد خاصی در جمله دارند و مانند [انواع مفعول عربی](#) به فهم بهتر رابطه بین فعل و سایر اجزای جمله کمک می‌کنند.

مفعول به (مفعول به)

مفعول به کلمه‌ای است که فعل مستقیماً بر آن اثر می‌گذارد و معمولاً منصوب است. این مفعول پاسخ به سؤال "ماذا؟" یا "من؟" می‌دهد.

قَرَأَ الطَّالِبُ الْكِتَابَ.	دانش‌آموز کتاب را خواند.
-------------------------------	--------------------------

"الكتاب" مفعول به است و فعل "قرأ" مستقیماً بر آن اثر گذاشته.

مفعول فیه (مفعول فیه)

مفعول فیه زمان یا مکان انجام فعل را مشخص می‌کند و معمولاً به سؤال "متی؟" (کی؟) یا "أین؟" (کجا؟) پاسخ می‌دهد. این مفعول می‌تواند ظرف زمان یا مکان باشد.

دَهِبَ الطَّالِبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ.	دانش‌آموز به مدرسه رفت.
--	-------------------------

"إلى المدرسة" مفعول فیه است و مکان رفتن را نشان می‌دهد.

مفعول له (مفعول له)

مفعول له دلیل یا هدف انجام فعل را بیان می‌کند و معمولاً به سؤال "لماذا؟" (چرا؟) پاسخ می‌دهد. این مفعول اغلب با حرف جر "لِ" همراه است.

دانش‌آموز برای آموزش رفت.	ذَهَبَ الطَّالِبُ لِلتَّعْلِيمِ.
---------------------------	----------------------------------

"للتعليم" مفعول‌له است و دليل رفتن را مشخص می‌کند.

مفعول مطلق (مفعول مطلق)

مفعول مطلق برای تأکید بر نوع یا تعداد دفعات انجام فعل به کار می‌رود و معمولاً مصدری است که از همان فعل مشتق شده است. این مفعول به سؤال "كَيْفَ؟" (چگونه؟) یا "كَمْ مَرَّةً؟" (چند بار؟) پاسخ می‌دهد.

دانش‌آموز محکم زد.	ضَرَبَ الطَّالِبُ ضَرْبًا.
--------------------	----------------------------

"ضرباً" مفعول مطلق است و نوع یا شدت فعل را تأکید می‌کند.

مفعول معه (مفعول معه)

مفعول معه همراهی یا همکاری در انجام فعل را نشان می‌دهد و معمولاً با حرف جر "مَعَ" همراه است. این مفعول به سؤال "مَعَ مَنْ؟" (با چه کسی؟) پاسخ می‌دهد.

دانش‌آموز با دوستانش رفت.	ذَهَبَ الطَّالِبُ مَعَ أَصْدِقَائِهِ.
---------------------------	---------------------------------------

"مع أصدقائه" مفعول معه است و همراهی را نشان می‌دهد.

حروف اضافه و ادوات در جمله عربی

در زبان عربی، حروف اضافه (حروف الجر) و ادوات نقش بسیار مهمی در ساختار جمله دارند و به ایجاد ارتباط بین کلمات و تعیین معنا کمک می‌کنند. این واژگان به تنهایی معنی کاملی ندارند، اما در کنار اسم‌ها و فعل‌ها، مفهوم جمله را کامل می‌کنند.

حروف اضافه (حروف الجر) و نقش آن‌ها

حروف اضافه کلماتی هستند که معمولاً قبل از اسم می‌آیند و بر معنای آن تأثیر می‌گذارند. این حروف باعث می‌شوند که اسم پس از آن‌ها مجرور شود، یعنی معمولاً با کسره (ـِ) یا یاء در حالت جمع و مثنی همراه باشد.

● مهم‌ترین حروف اضافه در عربی:

ترجمه	مثال	معنی فارسی	حرف اضافه
کتاب در کیف است.	الكتابُ في الحقيبة.	در	في
به مدرسه رفتم.	ذهبتُ إلى المدرسة.	به، تا	إلى
من اهل ایران هستم.	أنا من إيران.	از	من
کتاب را روی میز گذاشت.	وَضَعَ الكتابَ على الطاولة.	بر روی	على
با قلم نوشتم.	كتبْتُ بالقلم.	با، به وسیله‌ی	بِـ
این کتاب برای من است.	هذا الكتابُ لي.	برای، متعلق به	لِـ

● نقش حروف اضافه در جمله:

- ❖ تعیین مکان: في البيت - در خانه
- ❖ نشان دادن زمان: بعدَ الدرس - بعد از درس
- ❖ مشخص کردن مالکیت و هدف: لِطالب - برای دانش‌آموز
- ❖ بیان وسیله و ابزار: بالقلم - با قلم

ادوات و نقش آن‌ها در جمله

ادوات شامل حروف و کلماتی هستند که در جمله نقش‌های مختلفی دارند. برخی از مهم‌ترین انواع ادوات عبارت‌اند از:

الف) ادوات سؤال

این کلمات برای پرسیدن درباره‌ی زمان، مکان، علت و افراد به کار می‌روند:

چه چیزی می‌خوانی؟	ماذا تدرس؟	چه چیزی؟	ماذا
کجا زندگی می‌کنی؟	أين تسكن؟	کجا؟	أين
چه زمانی برمی‌گردی؟	متى ستعود؟	کی؟	متى
حالت چطور است؟	كيف حالك؟	چطور؟	كيف

ب) ادوات ندا (حروف ندا)

این کلمات برای صدا زدن کسی یا جلب توجه او استفاده می‌شوند.

یا	یا أستاذُ، عندي سؤالٌ.	ای استاد، یک سؤال دارم.
أَيُّهَا	أَيُّهَا النَّاسُ، انتبهوا!	ای مردم، توجه کنید!

ج) ادوات نفي

برای منفی کردن فعل‌ها و جملات استفاده می‌شوند:

لا (نفي مضارع)	لا أريدُ الذهابَ.	نمی‌خواهم بروم.
ما (نفي ماضی)	ما ذهبتُ إلى السوقِ.	به بازار نرفتم.
لَمْ (نفي ماضی و فعل مضارع منصوب می‌شود)	لم أكتبِ الرسالةَ.	نامه را ننوشتم.
لَنْ (نفي آینده)	لن أسافرَ غداً.	فردا سفر نخواهم کرد.

انواع اعراب (رفع، نصب، جر و جزم)

اعراب در زبان عربی به تغییراتی گفته می‌شود که پایان کلمات بر اساس نقش آن‌ها در جمله پیدا می‌کنند. این تغییرات چهار نوع اصلی دارند: رفع، نصب، جر، و جزم. هر یک از این حالات تأثیر خاصی بر کلمات می‌گذارند و معنا و نقش آن‌ها را در جمله مشخص می‌کنند.

رفع

اعراب رفع معمولاً با علامت ضمه (ـُ) نشان داده می‌شود و نشان‌دهنده حالت اصلی یا مستقل کلمه است. کلماتی مانند فاعل، مبتدا، و خبر معمولاً مرفوع هستند.

الطالبُ ذَهَبَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ.	دانش‌آموز به مدرسه رفت.
-------------------------------------	-------------------------

"الطالب" فاعل است و مرفوع با ضمه.

نصب

اعراب نصب با علامت فتحه (ـَ) مشخص می‌شود و نشان‌دهنده حالت وابستگی یا تأثیرپذیری کلمه است. کلماتی مانند مفعول به، حال، و تمییز معمولاً منصوب هستند.

شَرِبْتُ الْمَاءَ.	من آب نوشیدم.
--------------------	---------------

"الماء" مفعول به است و منصوب با فتحه.

جر

اعراب جر با علامت کسره (ـِ) نشان داده می‌شود و معمولاً پس از حروف جر یا در حالت مضاف‌الیه ظاهر می‌شود. اسم‌هایی که بعد از حروف جر مانند "مِنْ"، "إِلَى"، یا "فِي" می‌آیند، مجرور هستند.

ذَهَبْتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ.	من به مدرسه رفتم.
-------------------------------	-------------------

"المدرسة" مجرور با کسره است زیرا بعد از حرف جر "إِلَى" آمده.

جزم

اعراب جزم با علامت سکون (ـْ) یا حذف حرف آخر نشان داده می‌شود و معمولاً در افعال مضارع پس از ادوات جازم مانند "لَمْ"، "لَا النَّاهِيَةَ"، یا "إِنْ" اتفاق می‌افتد.

لَمْ يَذْهَبِ الطَّالِبُ.	دانش‌آموز نرفت.
---------------------------	-----------------

"يَذْهَبِ" مجزوم با سکون است زیرا بعد از "لَمْ" آمده است.

انواع ضمایر در عربی و کاربرد آن‌ها در جمله

در زبان عربی، ضمایر (الضمائر) نقش مهمی در جایگزینی اسم‌ها و جلوگیری از تکرار آن‌ها در جمله دارند. این ضمایر بر اساس شخص، تعداد و جنسیت تغییر می‌کنند و در جمله می‌توانند به عنوان فاعل، مفعول یا متصل به اسم و فعل به کار روند.

ضمایر در عربی به چند دسته‌ی اصلی تقسیم می‌شوند:

1. ضمایر منفصل (مستقل)
2. ضمایر متصل
3. ضمایر مستتر (پنهان)

ضمایر منفصل (الضمائر المنفصلة)

این ضمایر مستقل هستند و به کلمه‌ای متصل نمی‌شوند. معمولاً به عنوان فاعل در جمله ظاهر می‌شوند. جدول ضمایر منفصل:

شخص	مفرد	مثنی	جمع
اول شخص (متکلم)	أنا (من)	نحن (ما - دو نفر)	نحن (ما - جمع)
دوم شخص (مخاطب مذکر)	أنت (تو)	أنتما (شما - دو نفر)	أنتم (شما - گروهی از مردان)
دوم شخص (مخاطب مؤنث)	أنتِ (تو)	أنتما (شما - دو نفر)	أنتنَّ (شما - گروهی از زنان)
سوم شخص (غایب مذکر)	هو (او - مرد)	هما (آن دو - مردان)	هم (آن‌ها - مردان)
سوم شخص (غایب مؤنث)	هي (او - زن)	هما (آن دو - زنان)	هنَّ (آن‌ها - زنان)

ضمایر متصل (الضمائر المتصلة)

ضمایری که به فعل، اسم یا حرف اضافه متصل می‌شوند و نمی‌توانند به تنهایی در جمله بیایند.

● **ضمایر متصل به فعل (نشان‌دهنده فاعل یا مفعول):** (این ضمایر معمولاً در انتهای فعل می‌آیند و فاعل یا مفعول را مشخص می‌کنند)

شخص	مفرد	مثنی	جمع
اول شخص	تَكَلَّمْتُ (من صحبت کردم)	تَكَلَّمْنَا (ما صحبت کردیم)	تَكَلَّمْنَا (ما صحبت کردیم)
دوم شخص (مذکر)	تَكَلَّمْتَ (تو صحبت کردی)	تَكَلَّمْتُمَا (شما صحبت کردید)	تَكَلَّمْتُمْ (شما صحبت کردید)
دوم شخص (مؤنث)	تَكَلَّمْتِ (تو صحبت کردی)	تَكَلَّمْتُمَا (شما صحبت کردید)	تَكَلَّمْتُنَّ (شما صحبت کردید)
سوم شخص (مذکر)	تَكَلَّمَ (او صحبت کرد)	تَكَلَّمَا (آن دو صحبت کردند)	تَكَلَّمُوا (آن‌ها صحبت کردند)
سوم شخص (مؤنث)	تَكَلَّمَتْ (او صحبت کرد)	تَكَلَّمَا (آن دو صحبت کردند)	تَكَلَّمْنَ (آن‌ها صحبت کردند)

● **ضمایر متصل به اسم (نشان‌دهنده مالکیت):** (این ضمایر نشان می‌دهند که چیزی متعلق به چه کسی است.)

1. کتابي (کتاب من)
2. قَلْمُكَ (قلم تو)
3. مدرستُهُ (مدرسه ی او)
4. لَعْنُهُمْ (زبان آن‌ها)

● **ضمایر متصل به حروف اضافه:** وقتی ضمایر به حروف اضافه مثل في، على، من، إلى متصل شوند، نقش مفعول را ایفا می‌کنند.

1. علیه (روی او)
2. مِنْهُ (از او)
3. إِلَيْكَ (به سوی تو)
4. معنا (با ما)

ضمایر مستتر (الضمائر المستترة)

ضمایری که در ظاهر جمله نیامده‌اند اما از معنای جمله می‌توان آن‌ها را فهمید. مثال‌ها از ضمایر مستتر:

- يَكْتُبُ الدَّرْسَ. (او درس را می‌نویسد) → ضمیر "هو" پنهان است.
- نُحِبُّ الْعِلْمَ. (ما علم را دوست داریم) → ضمیر "نحن" پنهان است.

اسم‌های منصرف و غیرمنصرف + کاربرد آن‌ها

در زبان عربی، اسم‌ها از نظر اعراب به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

1. منصرف (منصرف)
2. غیرمنصرف (غیرمنصرف)

این تقسیم‌بندی بر اساس تغییرپذیری یا عدم تغییرپذیری اسم در حالت‌های مختلف اعراب (رفع، نصب، جر) انجام می‌شود. هر یک از این دو دسته ویژگی‌ها و کاربردهای خاص خود را دارند.

اسم‌های منصرف

اسم‌های منصرف اسم‌هایی هستند که در حالت‌های مختلف اعراب تغییر می‌کنند و علامت اعراب (ضمه، فتحه، کسره) را می‌پذیرند. این اسم‌ها معمولاً مفرد، مذکر، و غیرمعرّفه هستند و هیچ عاملی مانع از تغییر آن‌ها نمی‌شود.

مثال:

دانش‌آموزی آمد.	جاءَ طالِبٌ.
"طالب" منصرف است و می‌تواند در حالت‌های مختلف اعراب تغییر کند:	
رفع با ضمه	جاءَ طالِبٌ
نصب با فتحه	رَأَيْتُ طالِباً
جر با کسره	مَرَرْتُ بِطالِبٍ

اسم‌های غیرمنصرف

اسم‌های غیرمنصرف اسم‌هایی هستند که در حالت‌های مختلف اعراب تغییر نمی‌کنند و همیشه با یک علامت ثابت (معمولاً فتحه) نوشته می‌شوند. این اسم‌ها به دلایلی مانند علم بودن (اسم خاص)، عجمی بودن (غیرعربی)، یا وزن خاص (مانند صیغه‌های مبالغه) غیرمنصرف می‌شوند.

مثال:

من به سوی احمد رفتم.	ذَهَبْتُ إِلَى أَحْمَدَ.
"أحمد" غیرمنصرف است و در همه حالت‌ها با فتحه نوشته می‌شود:	
رفع با فتحه	جاءَ أَحْمَدَ
نصب با فتحه	رَأَيْتُ أَحْمَدَ
جر با فتحه	مَرَرْتُ بِأَحْمَدَ

● کاربرد اسم‌های منصرف و غیرمنصرف

- اسم‌های منصرف: بیشتر اسم‌های عربی در این دسته قرار می‌گیرند و به دلیل تغییرپذیری، انعطاف بیشتری در جمله‌سازی دارند. این اسم‌ها در حالت‌های مختلف اعراب به راحتی استفاده می‌شوند.
- اسم‌های غیرمنصرف: این اسم‌ها معمولاً خاصیت ثابتی دارند و به دلیل عدم تغییر، در جمله‌سازی نیاز به دقت بیشتری دارند. این اسم‌ها اغلب برای اسامی خاص، کلمات غیرعربی، یا صیغه‌های خاص به کار می‌روند.